گفت‌وگوی «جوان» با همسر سردار شهید مدافع حرم عزت‌الله سلیمانی

# مالک اشتر «اثریا» تا آخرین نفس جنگید

■ صغری خیل‌فرهنگ

**گویا آرزو و حاجت دیرینه شهید عزت‌الله سلیمانی باید به وسیله دستان با کفایت عقیله بنی‌هاشم(س) برآورده می‌شد تا در راه پاسداری از حریم ولایت و به تأسی از سیره حضرت عباس(ع) شهد شیرین شهادت را سر بکشد. سلیمانی که جانباز دوران دفاع مقدس بود، ماند تا آوردگاه دفاع از حرم را هم تجربه کند و آنگاه شهادت را در آغوش بکشد. او دلاوری از روستای مرغملک در چهارمحال و بختیاری، سردار فرمانده تیپ مالک اشتر بود که در هشتمین روز از آبان ماه سال ۱۳۹۴ آسمانی می‌شود و مزد مجاهدت‌هایش را در جوار حرم زینب کبری(س) در منطقه اثریای حلب می‌گیرد. گفت‌وگوی ما با همسرش خانم مسعودی را پیش رو دارید.**

**همسرتان از رزمندگان دوران دفاع مقدس بودند، ازدواجتان در همان دوران بود؟**

عزت‌الله متولد دوم فروردین ماه ۱۳۴۲ بود و بارها در جبهه‌ها شرکت کرده بود. منتها من و همسرم سال ۱۳۷۲ با هم آشنا شدیم و ازدواج کردیم، مراسم و ازدواجی کاملاً سنتی. خانواده من نسبت به شغل ایشان آگاهی کاملی داشتند. خودم هم شخصاً تعلق خاطری به افراد نظامی داشتم و دوست داشتم که همسرم فردی نظامی باشد. منتها ازدواج با یک نظامی سختی‌های خودش را داشت. با وجودی که جنگ تمام شده بود، اما مأموریت‌های شغلی عزت‌الله تمامی نداشت. البته ایشان از سختی‌های شغلش به من گفت و در چند سال زندگی مشترکمان اکثرا در مأموریت بود. همسرم بیشتر در شمال‌غرب کشور و در مبارزه با گروهک‌های کومله و پژاک و پ. ک. ک فعالیت می‌کرد. عزت‌الله همیشه حسرت سال‌های جنگ و دوستان شهیدش را می‌خورد.

**پس از همان ابتدای آشنایی تکلیف بر شما مشخص بود، با کسی ازدواج کردید که شهادت آرزوی همیشگی‌اش بود؟**

بله، می‌دانستم که آرزوی شهادت دارد. همیشه در صحبت‌هایش حرف از شهادت بود ایشان می‌گفت دوست دارم مرگم با شهادت در راه خدا رقم بخورد. خلق و خویش با شهید و شهادت عجین شده بود. همیشه کتاب‌هایی را که در مورد شهدا نوشته شده بود برایم می‌آورد و می‌خواست که مطالعه کنم. در هفته دفاع مقدس ما را برای آشنایی با جنگ، جبهه، مفهوم ایثار و شهادت به نمایشگاه‌هایی می‌برد که به مناسبت هفته دفاع مقدس در سطح شهر برگزار می‌شدند. خوب به یاد دارم سال ۱۳۸۶ که به مکه مشرف شدیم تا چشم‌شان به خانه خدا افتاد، آرزوی شهادت کرد.

**خانم مسعودی از شهید فرزندی هم به یادگار دارید؟**

حاصل زندگی ۲۲ ساله‌مان دو پسر به نام‌های رضا متولد ۷۴ و مهدی متولد ۸۴ هستند.

**گویا روند شغلی همسرتان باعث می‌شد که شهادت همراه زندگی‌شان باشد؟**

عزت‌الله همیشه به من می‌گفت دوست ندارم به مرگ عادی بمیرم. من هم می‌گفتم غیر از شهادت حق تو نیست. روند شغلی‌اش هم طوری بود که همیشه امکان شهادتش بود. از سال ۱۳۷۱ و همزمان با ورود ایشان به سپاه تیپ ۴۴ قمربنی هاشم (ع)استان چهارمحال بختیاری، مأموریت‌شان در مبارزه با تروریست‌ها آغاز شد. از مبارزه با گروهک‌های تروریستی جدایی‌طلب همچون کومله و دموکرات در شمالغرب گرفته تا گروهک‌های خرابکار و قاچاقچی‌ها در اقصی نقاط کشور، جزئی از کار همسرم شده بود. از جمله مأموریت‌های شهید سردار سلیمانی می‌توانم به مبارزه با گروهک پژاک در ارتفاعات شمال غرب اشاره کنم که در این مسیر جمعی از یاران و همرزمانش به فیض شهادت نائل آمدند. اما قسمتش بود که در نهایت آن سوی مرزها برای دفاع از اسلام در جبهه مقاومت اسلامی به شهادت برسد.

**اولین بار کی برای دفاع از حرم اهل بیت راهی شدند؟**

اولین اعزام همسرم اردیبهشت سال ۱۳۹۴ بود. اولین حضورشان بی‌سروصدا بود و کسی اطلاع نداشت. تنها من و فرزندانش می‌دانستیم که ایشان سوریه هستند. دو ماهی حضور داشت و بعد به مرخصی آمد و دوباره شهریور ماه ۹۴ طی نامه‌ای که برایشان آمد، مأمور شدند تا به سوریه بروند و فرماندهی تیپ مالک اشتر را در سوریه عهده‌دار شدند. بار دوم که می‌خواست برود، وقتی از سرکار آمد خوشحال بود. پرسیدم چی شده؟ گفت برایم نامه آمده بروم سوریه. تا زمان رفتن‌شان یک هفته وقت داشت تا به همه کارهایش برسد. وقتی زمان رفتن رسید، بعدازظهر همان روز رفتیم پارک، بعد هم رفتیم خرید برای خانه و کلی سفارش بچه‌ها را کرد و به بچه‌ها می‌گفت مراقب مادرتان باشید. بعد از صرف شام راهی سوریه شد.

**رفتنش برایتان سخت نبود؟**

از آنجایی که زیاد به مأموریت می‌رفت برای ما عادی شده بود. چندان سخت نبود. همسرم نیروی تکاور بود و ما با این نبودن‌ها کنار آمده بودیم. رضا فرزند بزرگ‌مان، زمانی که قبر حجربن عدی را نبش کرده بودند می‌گفت باید برویم سوریه و جلوی دشمن را بگیریم، نکند به حرم حضرت زینب(س) دست درازی کنند. مهدی فرزند کوچکمان می‌گفت بابا می‌شود نروی سوریه. پدرش هم می‌گفت ما باید برویم تا از حرم حضرت زینب(س) دفاع کنیم. اما ابتدای رفتنشان به سوریه به من گفت که ما به عنوان نیروهای مستشاری می‌رویم. برای مشاوره نظامی نیروهای سوریه و آموزش آنها می‌رویم. بعد از شهادتش من متوجه فعالیت‌ها و مسئولیت ایشان در منطقه شدم.

**کمی از خصوصیات اخلاقی شهید بگویید.**

خب قسمت و خواست خدا بر این بود که ایشان در دفاع از حرم بی‌بی زینب(س) به شهادت برسد. اما ویژگی‌هایی در وجود ایشان بود که به نظر من شهادت را برایشان رقم زد. نماز اول وقتش هرگز ترک نمی‌شد. معمولاً بعد از نماز قرآن می‌خواند. به پرداخت خمس بسیار توجه می‌کرد. همسرم بسیار مهربان و مهمان‌نواز بود. دستی در امور خیر و رفع حوائج نیازمندان داشت. هیچ‌گاه از مقام و موقعیتش سوءاستفاده نکرد. همواره همه را به ورزش کردن تشویق می‌کرد و خودش هم اهل ورزش بود.

به نظر من شهادت برای ایشان به واسطه دعاهای خیری رقم خورد که پشت سرشان بود. چون در کارهای خیر پیشقدم می‌شد. هر کسی مشکلی داشت تا آنجا که از دستش برمی‌آمد کمک می‌کرد. به پدر و مادرشان بسیار توجه و رسیدگی می‌کرد و احترامشان را داشت. وقتی پدرش در حقش دعا می‌کرد بسیار خرسند می‌شد. من همیشه به خود می‌گویم دعای پدرشان و بسیاری دیگر در حقش اجابت شد.

**بعد از شهادت همسرتان، بستگان و اطرافیانتان چه عکس‌العملی داشتند؟**

کنایه‌های زیادی شنیدم که به من می‌گفتند شما بودید که اجازه دادید همسرتان به سوریه برود. اما من می‌گویم: من چه رضایت می‌دادم چه نمی‌دادم، آنها برای دفاع از حرم انتخاب شده بودند و باید می‌رفتند. برخی هم که طعنه می‌زدند مدافعان حرم برای پول می‌روند! با شنیدن این صحبت‌ها به شخصه دلم به درد می‌آید، اصلاً اینطور نیست. ما خدا را شکر همه چیز در زندگی داریم پس چه دلیلی می‌توانست همسر را به شام بلا بکشاند. او رفت تا پای اعتقاداتش بماند، رفت تا به یک عمر یا لیتنی کنا معک گفتن‌هایش جامه عمل بپوشد. خوب بسیار خوشحالم که رهبری حجت را تمام کردند و فرمودند: امروز اگر در سوریه و عراق نجنگیم باید در شهرهای خودمان جلویشان بایستیم.

**شما با رهبر معظم انقلاب دیداری داشتید؟**

شهید بزرگوار خیلی دوست داشت به دیدار رهبری برود اما قسمت نشد و سعادت نداشت. اما بعد از شهادتش ما به محضر امام خامنه‌ای رسیدیم. من در آن دیدار خدمت آقا عرض کردم شهید بزرگوار خیلی دوست داشت شما را زیارت کند، ولی امکانش فراهم نشد. رهبر عزیز فرمودند که کم سعادتی از من بوده است. آنجا حس عجیبی پیدا کردم که رهبر جهان اسلام با این همه بزرگی و عظمت، ندیدن شهید را از کم‌سعادتی خود می‌دانست.

**به زیارت مزار عمه سادات مشرف شده‌اید؟**

شهید در مدت دو ماهی که در سوریه بود، تماس می‌گرفت و می‌گفت که من بسیار مشغله دارم و

نمی‌توانم به ایران بیایم شما بیایید سوریه. ما قرار بود به زیارت برویم که ایشان شهید شدند و بعد از شهادتش به زیارت عمه سادات رفتیم. آنجا به خودم افتخار کردم، چراکه هر کسی این لیاقت را ندارد همسر شهید مدافع حرم باشد. من از حضرت زینب(س) می‌خواهم برایمان دعا کنند که خدایی ناکرده از راهشان منحرف نشویم و راه شهیدمان راه ما باشد و از خدا بخواهد صبر زینبی به من و بچه‌هایم بدهد.

**شهید سفارشی برای بچه‌ها داشتند؟**

همیشه در صحبت‌هایشان به من می‌گفت که مراقب بچه‌ها باشم. شهید بزرگوار سفارش زیادی داشت از جمله این سفارش‌ها توصیه اکید به نماز اول وقت، ادای وجوهات شرعی، خمس، زکات و توجه به همه فرائض دینی و حمایت بی‌قید و شرط و بدون تسامح و تساهل از ولایت مطلقه فقیه... از سفارش‌های دیگرش تأکید به کسب روزی حلال و جلوگیری از ورود لقمه حرام ولو به اندازه دانه خردل به زندگی بود. البته باید بگویم خودش در انجام این امور پیشتاز بود و سپس دیگران را ترغیب می‌کرد.

**از نحوه شهادتشان اطلاعی دارید؟**

عزت‌الله در روز جمعه هشتم آبان ماه ۱۳۹۴ در اثریا (حلب) به شهادت رسید. ایشان ۲۰ روز قبل از اینکه در سوریه به شهادت برسد، زخمی هم شده بود. آنطور که به ما اطلاع دادند در جنگی تن به تن شهادت را که آرزوی سال‌های بیقراری و مجاهدتش بود در آغوش کشید. ایشان فرمانده تیپ مالک اشتر بود و چون مالک تا آخرین نفس جنگید.

**وقتی خبر شهادت همسفر و همراه ۲۲ ساله زندگیتان را شنیدید، چه کردید؟**

خب این سؤال را نمی‌شود خیلی راحت پاسخ داد. هر کسی هم جای من بود وقتی خبر از دست دادن عزیزش را بشنود به نظر شما چه حالی می‌شود. آن هم عزیز سفرکرده‌ای که دو ماهی ندیده و در تدارک آمدن و دیدارش باشی و بعد خبر شهادتش را بدهند. می‌شود گفت بدترین خبر است. خبر شهادتش را خانواده خودم به من اطلاع دادند. از دست دادن عزیزمان اگر به غیر از شهادت و رضای خدا بود هرگز تحمل‌پذیر نمی‌شد اما این رفتن و جدایی چون برای رسیدن به قرب الهی و رضایت خداوند و برای یاری رساندن به امام زمان (عج) است، تحمل‌پذیر می‌شود. اما دلتنگی‌ها برایشان همچنان با ما سر ناسازگاری دارند. برای من و بچه‌ها خیلی دوری از شهید بزرگوارمان سخت است، دلتنگش می‌شویم اما من به داشتن چنین همسری افتخار می‌کنم و بچه‌ها هم به خاطر داشتن چنین پدری به خود می‌بالند، مجاهد و رزمنده‌ای که در گردان زینبی ثبت نام کرد و راهی شد، رفت و دلاورانه جنگید و اجازه نداد تا منطقه تحت فرماندهی‌اش به دست تکفیری‌ها بیفتد. فاش می‌گویم همسرم شهادتت گوارایت باد. روزی ایشان شهادت بود.

**مراسم تشییع سردار شهید عزت‌الله سلیمانی چطور برگزار شد؟**

مانند مراسم تشییع شهدای مدافع حرم در کشور، بسیار مراسم با شکوهی برای ایشان برپا شد. تشییع شهیدم مصادف با روز ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۹۴ بود. سردار شهید عزت‌الله سلیمانی در زادگاهش به خاک سپرده شد و در کنار همرزمان و شهدای دوران دفاع مقدس آرمید.

**این روزها در ایام ماه مبارک رمضان جای خالی شهیدتان با وجود نبودن‌هایش در زندگی بیش از پیش حس می‌شود؟**

بله، قطعاً همینطور است. مرتبه اولی که راهی سوریه شدند همزمان با ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۴ بود. همسرم از همانجا تماس می‌گرفتند و ما را برای سحری بیدار می‌کردند. حدوداً ۱۵ روزی از ماه رمضان گذشته بود که به مرخصی آمد. من و بچه‌ها با هم قرار گذاشتیم که یک استقبال گرمی از ایشان داشته باشیم، برای همین هر بار که تماس می‌گرفت من می‌پرسیدم که دقیقاً کی می‌یایی؟ ایشان هم می‌گفت که مشخص نیست، می‌خواست ما را با آمدنش غافلگیر کند. اما من و بچه‌ها هم برنامه‌های خودمان را داشتیم. خوب به یاد دارم جمعه صبح بود که ساعت ۵ به خانه رسید. همه برنامه‌های‌مان را به هم ریخت. گفتم چرا نگفتی می‌آیی؟ گفت اینطوری بهتر است من می‌دانستم که شما می‌خواستید تشریفاتی کنید. اما ما کار خودمان را کردیم. بنر خوشامدگویی، قربانی کردن گوسفند و... اما همسرم اصلاً اهل تشریفات نبود. دوست داشت همه چیز ساده باشد. ۱۳ تیرماه ۱۳۹۴ بود که خودش با همه فامیل تماس گرفت و آنها را برای مراسم افطاری و شام دعوت کرد. آخرین افطاری با عزیز دلمان بود که خیلی هم خوب برگزار و برای همیشه در ماه مبارک رمضان به یادماندنی شد.

گفت‌وگو

رئیس ستاد مردمی یادواره شهدای محله تاکسیرانی:

## برگزاری یادواره شهدا موتور محرکه جامعه است

■ احمد محمدتبریزی

**جمعی از جوانان منطقه ۱۴ تهران در حرکتی خودجوش ۳۱ خردادماه برای سومین بار یادواره شهدای محله‌شان (محله تاکسیرانی) را برگزار کردند. توجه به یاد و خاطره شهدا از منویات مکرر مقام معظم رهبری است که ما را بر آن داشت تا در گفت‌وگو با مهدی شیری، رئیس ستاد یادواره شهدای محله تاکسیرانی از چند و چون این یادواره و همینطور فعالیت‌های مردمی در خصوص بزرگداشت شهدا بیشتر بدانیم.**

**برای شروع از یادواره‌تان بگویید، چرا ۳۱ خرداد را به عنوان روز برگزاری‌اش انتخاب کردید؟**

این یادواره مربوط به شهدای محله تاکسیرانی در منطقه ۱۴ است. خانواده شهدای منطقه و اقشار مختلف جامعه در یادواره حضور داشتند. دغدغه‌مان از اولین دوره یادواره این بود حدالامکان روز برگزاری را ۳۱ خرداد همزمان با شهادت دکتر چمران برگزار کنیم تا در مراسممان یادی هم از این انسان بزرگ کرده باشیم.

**دست‌اندرکاران یادواره‌های مردمی قاعدتاً باید خود مردم باشند، درست است؟**

بله، قطعاً همینطور است. در یادواره ما نیز خانواده شهدا، مردم محل و اعضای پایگاه بسیج محله برگزارکننده اصلی بودند و ارگان‌هایی چون مدیریت شورایاری محل، شهرداری ناحیه و بنیاد شهید کمکشان معنوی بود. امسال به کار وسعت بیشتری دادیم و از سردار طلایی از اعضای شورای شهر دعوت کردیم تا سخنران اصلی مراسم باشند.

**محله تاکسیرانی چند شهید دارد؟**

چیزی که برآورد کردیم ۲۵ شهید در محله تاکسیرانی و چند شهید هم در یک پایگاه دیگر هستند که با ما همکاری می‌کنند، مجموعاً در این یادواره یاد و خاطره ۴۰ شهید گرامی داشته شد.

**فقط شهیدان دفاع مقدس هستند یا شهیدان مدافع حرم هم سهمی دارند؟**

ما در این منطقه شهید مدافع حرم نداریم ولی خانواده شهدایی که دعوت کردیم از خانواده شهدای منطقه هستند. خانواده سلمانی و نوایی دو شهید دارند. یکی از شهدا به نام رمضانی پدر و پسر شهید هستند. شهید هادی ذوالفقاری، شجری طوسی، شیری، اقتداری، انتظاری، زارعی و خندان و خانواده‌شان کسانی بودند که از آنها تقدیر کردیم. از شهدای پایگاه دیگر محله هم شهید امویی و شهید سلمانی ماهینی تقدیر شدند.

**اولین سالی که این یادواره را راه‌انداختید چه هدفی را دنبال می‌کردید؟**

ما از لحاظ بحث مذهبی می‌خواستیم کششی ایجاد شود تا بتوانیم هم‌محله‌ای‌ها را درگیر کنیم و بگوییم چه کسانی برای حفاظت از وطن و هویت انقلاب اسلامی و نظام جانشان را فدا کردند و حتماً این کار آنقدر ارزش داشته که این کار را کرده‌اند. می‌خواهیم یادی از آنها بکنیم. حضرت آقا می‌فرمایند یاد شهدا را زنده نگه داشتن کمتر از شهادت نیست و در یکی از تازه‌ترین سخنرانی‌هایشان می‌فرمایند باید یاد و خاطره شهیدان در مقابله با توفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشته شود. مسئله شهید و ایثارگری کهنه شدنی نیست. برگزاری این یادواره‌ها موتور حرکت جامعه است و برخی از این نکته غفلت می‌کنند. همین زنده نگهداشتن خیلی کارها را پیش می‌برد و این یاد شهدا و حماسه‌ها و کارهایشان در وجود شهدای مدافع حرم دیده می‌شود.

**فکر می‌کنید برگزاری یادواره‌های محلی در آشنایی مردم منطقه با فرهنگ ایثار و شهادت تا چه اندازه می‌تواند مفید باشد؟**

از دید خودمان عرض می‌کنم این سومین یادواره‌ای است که برگزار می‌کنیم. برای اینکه میزان تأثیرگذاری را متوجه شوید از تاریخچه یادواره می‌گویم. چندین سال پیش که یادواره را برگزار کردیم مراسم خیلی جمع و جور و کوچک بود ولی خانواده‌های زیادی پای کار آمدند و توجه زیادی به این مسئله شد و بازخورد خوبی در محله داشت. سال ۹۳ که اولین یادواره

برگزار شد به اسم شهید چمران و شهدای محله گذاشتیم تا بیشتر مردم را درگیر کنیم و پای کار بیاوریم. تأثیرگذاری‌اش آنقدر بود که جمعیت زیادی از اهالی محل عهده‌دار اصلی یادواره و از پایگاه بسیج جمعیت زیادی جذب این کار شدند. می‌شود گفت از لحاظ فرهنگی خیلی بچه‌ها قوی کار می‌کنند و تاثیرگذاری‌اش خیلی خوب بوده است. تا به حال کار میدانی و تحقیقی انجام نداده‌ایم و چیزی که شنیده‌ام این بوده که اعضای محلی خیلی از برگزاری این یادواره ابراز خوشحالی می‌کنند و برای برگزاری آن هم کمک‌های مادی و معنوی زیادی می‌کنند. خیلی‌ها بی‌دریغ کمک کردند و نخواستند اسمی از آنها برده شود. خانواده شهدا هم زحمت زیادی می‌کشند و همه با جان و دل کار می‌کنند. البته امسال یک حسنی داشت که با شب ولادت امام حسن مجتبی(ع) همزمان شد و نام هیئت هم مکتب‌الحسن(ع) است و این یک شور و شوق مضاعفی به همه داد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۸۴۵

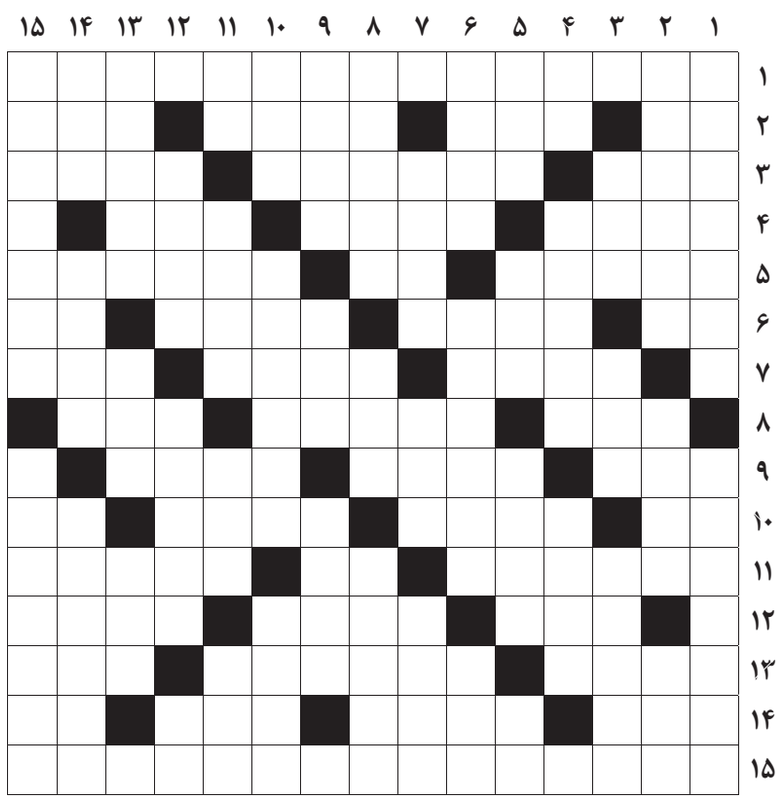

### از راست به چپ

■ ۱- بسیاری از رانندگان نسبت به آن بی توجه هستند و همین امر موجب وقوع چندهزار کشته در سال است ■ ۲- تکرار حرفی- جایز و شایسته- دریاچه زیبای الموت قزوین- کلمه سوالی ■ ۳- تله- زندگان همیشه جاوید- از القاب حضرت زهرا(س) و سوره‌ای در قرآن ■ ۴- عاشق- دوچرخه‌سوار می‌زند- بهترین تیم ورزشی هر کشور ■ ۵- سبزی کباب- پسوند خریدار- فقیر ■ ۶- آوای رزمی کار- کوبیدنی مطبخ- مقصود و هدف- جوی خون ■ ۷- حمام بخار- شادمانی- درس نخوانده ■ ۸- میوه درخت- شهر تیم بایرن آلمان- قرن ■ ۹- پرستار- باسکول و ترازوی بزرگ- نخجیر ■ ۱۰- تکرار حرف آخر- واکسن- ثبت‌کننده لحظات حساس- انکرالاصوات ■ ۱۱- از مهم‌ترین و زیباترین خیابان‌های پایتخت- ضمیر غایب- پادشاه روحانی یهود ■ ۱۲- زرنگ و زیرک- لانه روباه پیر- شهر هلن زیبارو ■ ۱۳- بدهکار- از آثار سعدی- پاک ■ ۱۴- مکر و حیله- همراه دارا- دانه تسبیح- یک و یک ■ ۱۵- درختی دوستی بنشان ... /نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد

### از بالا به پایین

■ ۱- از نام‌های بهشت- شهر مقر سازمان ملل ■ ۲- محل شهادت شهید همت- خط نابینایان- نشانه قرآنی ■ ۳- ستایش- حشره خونخوار- از جنگهای مسلمانان در ناحیه شام که رومیان در آن شکست خوردند ■ ۴- تکرارش نام درختی است- از شهرهای پاکستان- مفهوم کلام ■ ۵- آبفشان حمام- نباید به نرخ روز خورد- پیک- ناخن چهارپا ■ ۶- چیره‌دست- نوعی خفاش بزرگ- حرکت هوا ■ ۷- آحاد اعداد- تکیه کلام علیا مخدره- همراه هاردی ■ ۸- اجبار کردن- سنت‌ها- جمع نسب ■ ۹- پاسخ- لوله غذا- بازگشت دادن ■ ۱۰- بدان و آگاه باش- در مثل گاهی با هم می‌سوزند- جانشین ■ ۱۱- پایتخت آلمان غربی سابق- افسار- قصر- سوره زنان ■ ۱۲- مفتاح- دریچهٔ کوچکی در دستگاه کاربراتور در جلو لولهٔ هوا- تکرار حرفی ■ ۱۳- ابدی و ماندگار- نیشتر رگزنی- تراشیدن چوب ■ ۱۴- شیر درنده- کحال- از صادرات غیرنفتی کشورمان ■ ۱۵- آزادگی- شهر قلعه فلک الافلاک

### جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۱ | | ۵ | ۷ | | ۹ | |
| | | ۵ | ۸ | ۹ | | | | ۲ |
| | | | | | | | ۱ | |
| | ۶ | | ۱ | | | ۷ | | ۹ |
| | ۳ | | | | | | | |
| | | | ۹ | | | ۶ | | |
| | | | | | | | ۷ | ۴ |
| ۸ | | ۲ | | | | | | |
| ۵ | | | | ۳ | ۶ | | | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۷ | ۶ | ۴ | ۳ | ۲ | ۸ | ۵ | ۹ |
| ۹ | ۴ | ۳ | ۶ | ۵ | ۸ | ۲ | ۱ | ۷ |
| ۵ | ۸ | ۲ | ۷ | ۱ | ۹ | ۴ | ۶ | ۳ |
| ۳ | ۵ | ۸ | ۲ | ۶ | ۷ | ۹ | ۱ | ۴ |
| ۷ | ۲ | ۱ | ۹ | ۴ | ۵ | ۶ | ۳ | ۸ |
| ۶ | ۳ | ۵ | ۸ | ۷ | ۱ | ۲ | ۴ | ۹ |
| ۸ | ۱ | ۹ | ۵ | ۲ | ۴ | ۳ | ۷ | ۶ |
| ۲ | ۲ | ۵ | ۱ | ۶ | ۷ | ۹ | ۸ | ۴ |
| ۴ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۳ | ۱ | ۲ | ۵ |

### جدول کلمات متقاطع
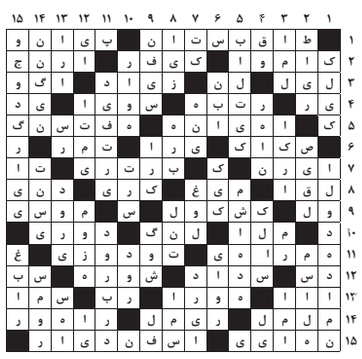
■ پاسخ جدول شماره ۴۸۴۴